

به نام خداوند خورشید و ماه | که دل را به نامش خرد داد راه |

کارآموز

عربی هفتم

دوره اول متوسطه

فریبا فتحی



مهر و ماه

فهرست

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ:

- ١٤ نورُ الْكَلَامِ  ٥ قِيَمَةُ الْعِلْمِ 
٢٤ كَنْزُ الْكُنُوزِ 

الدَّرْسُ الثَّانِي:

- ٤٢ كُنُوزُ الْحِكْمِ  ٣٥ جَوَاهِرُ الْكَلَامِ 
٥٤ كَنْزُ النَّصِيحَةِ  ٥١ آزْمُونِ مِيَانِ نَوْبِتِ أَوَّلِ 

الدَّرْسُ الثَّلَاث:

- ٧٠ الْمَوَاعِظُ الْعَدَدِيَّةُ  ٦٢ الْحِكْمُ النَّافِعَةُ 
٨٠ الدَّرْسُ الرَّابِعُ: حِوَارٌ بَيْنَ وَلَدَيْنِ 

٨٨ آزْمُونِ نَوْبِتِ أَوَّلِ

٩١ الدَّرْسُ الْخَامِسُ: فِي السُّوقِ 

١٠٢ الدَّرْسُ السَّادِسُ: الْجُمَلَاتُ الذَّهَبِيَّةُ 


١١٥ الدَّرْسُ السَّابِعُ: حِوَارٌ فِي الْأُسْرَةِ 


١١٨ الدَّرْسُ الثَّامِنُ: فِي الْحُدُودِ 

١٢٦ آزْمُونِ مِيَانِ نَوْبِتِ دَوْمِ

١٢٩ الدَّرْسُ التَّاسِعُ: الْأُسْرَةُ النَّاجِحَةُ 

١٣٨ الدَّرْسُ الْعَاشِرُ: زِينَةُ الْبَاطِنِ 

١٤٨ الدَّرْسُ الْحَادِي عَشَرَ: الْإِخْلَاصُ فِي الْعَمَلِ 

١٥٧ الدَّرْسُ الثَّانِي عَشَرَ: الْأَيَّامُ وَالْفُصُولُ وَالْأَلْوَانُ 

١٦٥ آزْمُونِ نَوْبِتِ دَوْمِ



تقدیم به تکیه‌گاه زندگی‌ام، پدر عزیزم
و آرامش وجودم، مادر نازنینم

مقدمه مؤلف

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

«ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ»

نون و قسم به قلم و آنچه می‌نگارد

حمد و سپاس خدای بزرگ را که توفیق به دست گرفتن قلمی را که بر آن سوگند یاد کرده است، به من ارزانی فرمود.

با توجه به اینکه کتاب عربی هفتم اولین آشنایی دانش‌آموزان با زبان وزین عربی است، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است؛ لذا علاوه بر حفظ مطالب علمی و درس‌نامه‌هایی کامل، بر هرچه جذاب‌تر کردن این درس برای مخاطب کوشیده‌ام. بدین منظور، در این کتاب مهارت‌هایی را مدنظر قرار داده‌ام که یادآوری آنها خالی از لطف نیست:

«المُعْجَم»: واژه‌نامه‌هایی کامل به تفکیک اسم، فعل، حرف، ترکیب و جمله



«النَّصَّ»: ترجمه روان و تحت‌اللفظی متون همه دروس



«القواعد»: درس‌نامه‌های کامل به زبان ساده با مثال به همراه فنون ترجمه‌ای به زبان بسیار ساده برای کمک به ترجمه روان از زبان عربی



«التمارين»: تمرین‌های تشریحی متنوع و کاربردی



«پرسش‌های چهارگزینه‌ای»: برای جمع‌بندی هر درس (در مجموع ۱۷۰ تست)



به همراه:

- جدول و سرگرمی به منظور ایجاد انگیزه در رابطه با ادبیات عربی
- چهار آزمون منطبق بر استاندارد آموزش و پرورش
- جمله‌ها و احادیث متناسب با موضوع درسی
- برخی ضرب‌المثل‌های مشترک بین زبان عربی و فارسی

کتاب حاضر با وجود تلاش‌های فراوان مصون از خطا نیست؛ لذا از همکاران و دانش‌آموزان گرامی تقاضا دارم نظرات ارزشمند خود را به نشانی الکترونیکی گروه عربی arabi@mehromah.ir ارسال یا از طریق SMS به سامانه ۰۷۲۱۲۰۳۰۰۰ اعلام فرمایند. سرمایه علمی و تجربه‌ام، مرهون زحمات جناب آقای سعید نجفی اسداللهی و سرکار خانم بهناز دانشور است که قدردان ایشان هستم. از بزرگوارانی که در تهیه این کتاب بنده را یاری کرده‌اند؛ جناب آقای احمد اختیاری، جناب آقای محسن خضری، سرکار خانم مریم کاظمی میقانی، سرکار خانم زهرا قراچلو، جناب آقای دانش تجلی به عنوان همکار گروه عربی، ویراستاران، طراحان و کارشناسان انتشارات مهروماه سپاس گزارم.

«وَالسَّلَامُ عَلٰی مَنْ اتَّبَعَ الْهُدٰی»

فربیا فتحی

نورُ الْكَلَامِ

نور سخن

- ۱- نِعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ، الصُّحَّةُ وَ الْأَمَانُ. رَسولُ اللَّهِ (ص)
دو نعمت ناشناخته تندرستی و امنیت
تندرستی و امنیت، دو نعمت ناشناخته‌اند.
- ۲- رِضَا اللَّهِ، فِي رِضَا الْوَالِدَيْنِ. رَسولُ اللَّهِ (ص)
رضایت خداوند در رضایت پدر و مادر
رضایت خداوند، در رضایت پدر و مادر است.
- ۳- أَدَبُ الْمَرْءِ، خَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ. رَسولُ اللَّهِ (ص)
ادب انسان بهتر از طلایش
ادب انسان، بهتر از طلایش است.
- ۴- الدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ. (الإمام عليّ ع)
روزگار دو روز برای تو و روزی بر تو
روزگار دو روز است؛ روزی به سود تو و روزی به زیان توست.
- ۵- رَأْيَانِ، خَيْرٌ مِنْ رَأْيِ وَاحِدٍ. جَنَّةُ
دو نظر بهتر از یک نظر
دو نظر، بهتر از یک نظر است.
- هُذَانِ وَ لَدَانِ.
این دو دو پسر
این دو (اینها)، دو پسر هستند.
- هَاتَانِ بِنَتَانِ.
این دو دو دختر
این دو (اینها)، دو دختر هستند.
- هُذَانِ كُرْسِيَانِ.
این دو دو صندلی
این دو (اینها)، دو صندلی هستند.
- هَاتَانِ وَرْدَتَانِ.
این دو دو گل
این دو (اینها)، دو گل هستند.
- هُذَانِ الْوَالِدَانِ، تَظْفِيَانِ.
این دو دو پسر پاکیزه
این دو پسر، پاکیزه‌اند.
- هَاتَانِ الْبِنَتَانِ، تَظْفِيَتَانِ.
این دو دو دختر پاکیزه
این دو دختر، پاکیزه‌اند.
- هُذَانِ الْكُرْسِيَانِ، حَشْبِيَانِ.
این دو دو صندلی چوبی
این دو صندلی، چوبی هستند.
- هَاتَانِ الْوَرْدَتَانِ، جَمِيلَتَانِ.
این دو دو گل زیبا
این دو گل، زیبا هستند.

اسم از نظر تعداد

اسم از لحاظ تعداد به سه دسته مفرد، مثنی و جمع تقسیم می‌شود:

اسم مفرد: اسمی است که بر یک چیز (انسان، حیوان، شیء) دلالت می‌کند و علامت خاصی ندارد.

مثال



نافذة: یک پنجره (شیء)



بقرة: یک گاو (حیوان)



زارع: یک کشاورز (انسان)



طالب: یک دانش‌آموز (انسان)

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

كَنْزُ الْكُنُوزِ



(واژه‌نامه)

المُعْجَم



- | | |
|--|---|
| ● عِنْدَ: نزد، پیش، کنار | ● أَحْيَاءُ: زندگان «مفرد: حَيٌّ» |
| ● فَائِزٌ: برنده | ● أَوْسَطُ: میانه‌ترین |
| ● قِصَصٌ: قصه‌ها «مفرد: قِصَّةٌ» | ● أَوْلِيكَ: آنان، آن «مفرد: ذلِكَ، تِلْكَ» |
| ● كَنْزٌ: گنج «جمع: كُنُوزٌ» | ● جَالِسٌ: نشسته |
| ● لَاعِبٌ: بازیکن | ● جَاهِلٌ: نادان «جمع: جُهَّالٌ» |
| ● مُدْرَسٌ: معلم | ● حَجَرٌ: سنگ «جمع: أَحْجارٌ» |
| ● مِفْتَاحٌ: کلید «جمع: مِفْتَاحٌ» | ● حَدِيقَةٌ: باغ، باغچه «جمع: حُدائقٌ» |
| ● مَكْتَبَةٌ: کتابخانه | ● سَبْعِينَ: هفتاد |
| ● مَوْتٌ: مرگ | ● سَنَةٌ: سال «جمع: سَنَوَاتٌ» |
| ● وَاقِفٌ: ایستاده، آگاه | ● صِدَاقَةٌ: دوستی |
| ● هَا، هَـ، شَ، ـ او، ـ آن (مؤنث) | ● صِغَرٌ: خردسالی، کوچکی |
| ● هَوْلًا: اینها، اینان، این «مفرد: هَذَا، هَذِهِ» | ● عِبْرَةٌ: پند «جمع: عِبَرٌ» |
| | ● عِدَاوَةٌ: دشمنی کردن |
| ● تَفَكَّرُ سَاعَةً: ساعتی فکر کردن | ● أَوْسَطُهَا: میانه‌ترین آن |
| ● هَوْلًا إِرَانِيُونَ: اینها ایرانی‌اند. | ● أَوْلِيكَ مُجَاهِدُونَ: آنها مجاهدند. |
| ● هَوْلًا اللَّاعِبُونَ: این بازیکن‌ها | ● أَوْلِيكَ الْمُجَاهِدُونَ: آن مجاهد‌ها |

اسم

ترکیب و جمله

كَنْزُ الْكُنُوزِ

گنج گنجها

۱- تَفَكَّرْ سَاعَةً، خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً. رَسُولُ اللَّهِ (ص)
فکر کردن ساعتی بهتر از عبادت هفتاد سال
دشمنی با دانا، بهتر از دوستی با نادان است.

۲- عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ، خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ (ع)
دشمنی عاقل بهتر از دوستی نادان
ساعتی فکر کردن، بهتر از هفتاد سال عبادت است.

۳- الْعِلْمُ فِي الصُّغَرِ، كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ (ع)
دانش در خردسالی مانند نقاشی در سنگ
دانش در خردسالی، مانند نقاشی روی سنگ است.

۴- خَيْرُ الْأُمُورِ، أَوْسَطُهَا. الْإِمَامُ عَلِيُّ (ع)
بهترین کارها میانترین آنها
بهترین کارها، میانترین آنهاست.

۵- الْجَهْلُ، مَوْتُ الْأَحْيَاءِ. حِكْمَةٌ
نادانی مرگ زندگان
نادانی، مرگ زندگان است.

هُؤْلَاءِ اللَّاعِبُونَ، فَائِزُونَ.
ایشان بازیکنان برندگان
این بازیکنان، پیروزند.

هُؤْلَاءِ اللَّاعِبَاتُ، فَائِزَاتُ.
ایشان بازیکنان برندگان
این بازیکنان، پیروزند.

أُولَئِكَ الْمُجَاهِدُونَ، صَابِرُونَ.
آنها رزمندگان شکیبایان
آن رزمندگان، شکیبایند.

أُولَئِكَ الْمُجَاهِدَاتُ، صَابِرَاتُ.
آنها رزمندگان شکیبایان
آن رزمندگان، شکیبایند.

● هُؤْلَاءِ إِيرَانِيُونَ.
ایشان ایرانی‌ها
اینان ایرانی‌اند.

● هُؤْلَاءِ إِيرَانِيَاتُ.
ایشان ایرانی‌ها
اینان ایرانی‌اند.

● أُولَئِكَ مُجَاهِدُونَ.
آنها مجاهدان
آنان مجاهدند.

● أُولَئِكَ مُجَاهِدَاتُ.
آنها مجاهدان
آنان مجاهدند.

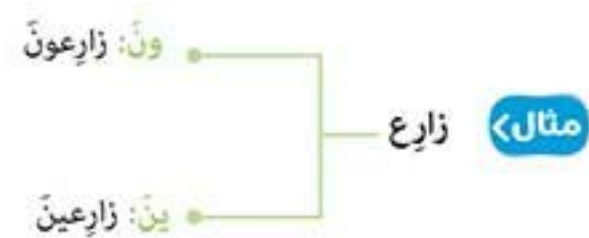
اسم جمع

اسمی است که بر سه فرد (انسان، حیوان، شیء) یا بیشتر دلالت می‌کند.

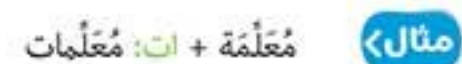
توجه در زبان فارسی، یک اسم را مفرد و بیش از یک اسم را جمع می‌دانند؛ ولی در زبان عربی، یک اسم را مفرد، دو اسم را مثنی و بیش از دو اسم را جمع می‌گویند.



۱ جمع سالم: جمعی است که مفرد و جمع آن، از نظر ساختار یکی بوده و فقط به آخر اسم مفرد، نشانه یا علامت جمع اضافه می‌شود.
الف) جمع سالم مذکر:



ب) جمع سالم مؤنث:



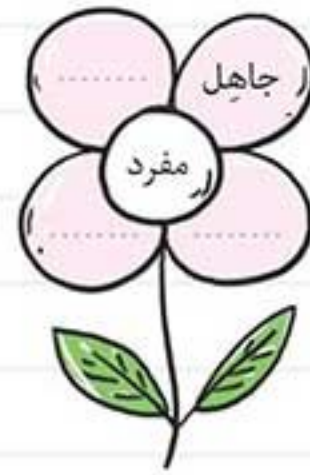
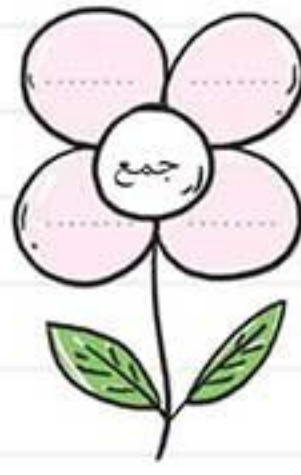
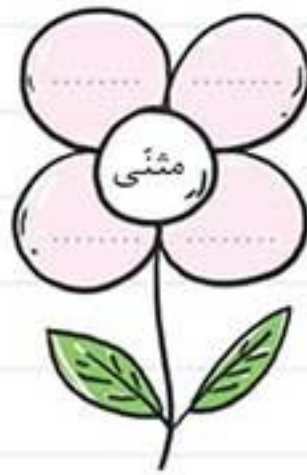
توجه در جمع سالم مؤنث، هنگام اضافه شدن «ات» به اسم مفرد مؤنث، علامت «ة» از آخر اسم حذف می‌شود.

۲ جمع مکسر: جمعی است که شکل مفردش، در ساختار جمع تغییر می‌کند.

مکسر یعنی شکسته‌شده و در اینجا، منظور، شکسته شدن اسم مفرد، برای تبدیل به جمع است. در جمع مکسر ممکن است از حروف کلمه مفرد کم شود یا به حروف آن اضافه شود یا فقط حرکات آن تغییر کند.

[التَّمْرِينُ الرَّابِعُ عَشَرَ] مانند نمونه، از میان اسم‌های داده شده، اسم‌های مربوط به هر گل را روی گلبرگ‌های آن بنویسید.

صَالِحَانِ أَيَّامٍ جَبَلٍ نَسِيَانٍ آراءٍ وَوَلَدَيْنِ طَالِبُونَ كَلَامَيْنِ هُذَانِ كُرْسِيٍّ سَنَتَانِ



[التَّمْرِينُ الْخَامِسُ عَشَرَ] عبارات‌های مرتبط را به هم وصل کنید (یک کلمه اضافی است).



[التَّمْرِينُ السَّادِسُ عَشَرَ] درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را مشخص کنید.

- ۱- الْعِلْمُ، مَوْتُ الْأَحْيَاءِ. درست نادرست
- ۲- عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ، خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. درست نادرست

[التَّمْرِينُ السَّابِعُ عَشَرَ] جاهای خالی را با کلمه‌های مناسب پر کنید (یک کلمه اضافی است).

فَرِيضَةٌ صَابِرَاتٌ الْحَجَرِ صَدَاقَةٌ خَيْرٌ

- ۱- الْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ، كَالنَّقِشِ فِي ۲- زَهْرَاءُ وَ مَرِيَمٌ وَ زَيْنَبُ،
- ۳- طَلَبُ الْعِلْمِ، ۴- الْأُمُورِ، أَوْسَطُهَا.

[نگاهی جامع بر اسم (جنس و عدد) و اسم اشاره]



* مثنای مذکر و مؤنث برای اسم اشاره به دور، در کتاب درسی نیامده است.

جَوَاهِرُ الْكَلَامِ



(واژه‌نامه)

المُعْجَم



اسم

- | | |
|-------------------------------|--|
| ● عِنَب: انگور «جمع: أعناب» | ● إِحْسَان: نیکی |
| ● عُرْفَة: اتاق «جمع: عُزَف» | ● بَائِع: فروشنده |
| ● فُنْدُق: هتل | ● بُسْتَان: باغ «جمع: بساتین» |
| ● قَرِيب: نزدیک | ● بَعِيد: دور |
| ● قَرْيَة: روستا «جمع: قُرَى» | ● جَزَاء: پاداش |
| ● قَلِيل: کم، اندک | ● جُنْدِي: سرباز «جمع: جُنُود» |
| ● كَثِير: بسیار | ● حَقِيقَة: کیف، چمدان «جمع: حَقَائِب» |
| ● لِسَان: زبان | ● رُمَان: انار |
| ● مَدِينَة: شهر «جمع: مَدَن» | ● صَلَاة: نماز |
| ● هُنَا: اینجا | ● عَمُود: ستون «جمع: عَمَاد» |
| ● لَا: نه | ● أَيْ: آيا |
| ● نَعَم: بله | ● إِلَّا: به جز، مگر |
| ● هَل: آیا | ● رَبُّ: چه بسا |

رو

(متن درس)

نَصُّ الدَّرْسِ



جَوَاهِرُ الْكَلَامِ

گوهرهای سخن

- ۱- ﴿ هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ ﴾ (رحمان / ۶۰)

آیا پاداش نیکی جز نیکی
آیا پاداش نیکی، به جز نیکی است؟

- ۲- الْمُؤْمِنُ، قَلِيلُ الْكَلَامِ كَثِيرُ الْعَمَلِ. رَسُولُ اللَّهِ (ص)

مؤمن کم سخن بسیار کار
مؤمن، کم سخن و پرکار است.

- ۳- سُكُوتُ اللِّسَانِ، سَلَامَةُ الْإِنْسَانِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ (ع)

سکوت زبان تندرستی انسان
خاموشی زبان، تندرستی انسان است.

- ۴- رَبُّ كَلَامٍ، جَوَابُهُ السُّكُوتُ. الْإِمَامُ عَلِيُّ (ع)

چه بسا سخن جوابش سکوت
چه بسا سخن که جواب آن، سکوت است.

- ۵- الْوَقْتُ مِنَ الذَّهَبِ. حِكْمَةٌ

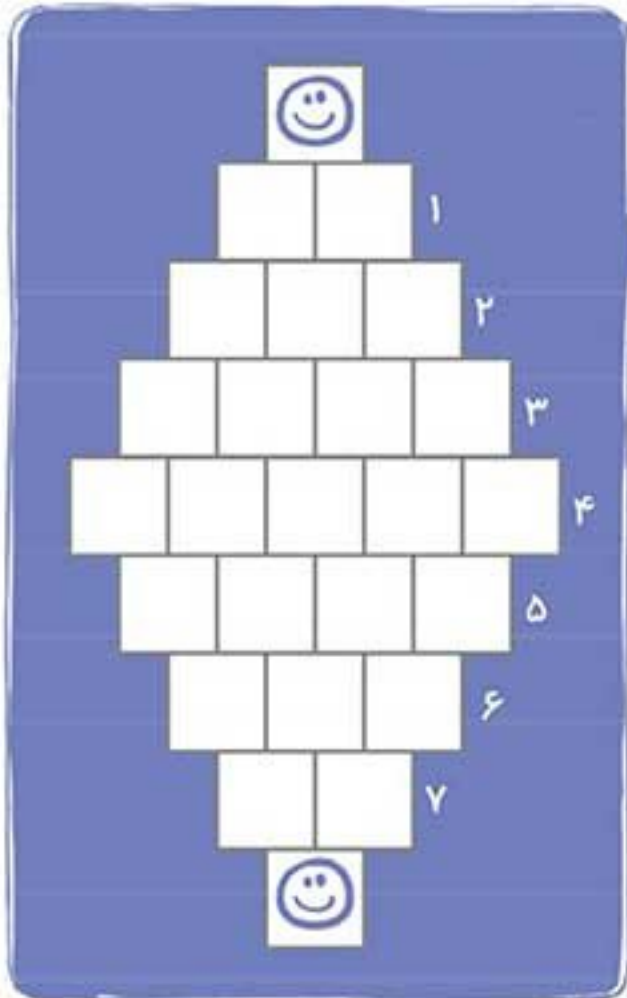
وقت از طلا
وقت طلاست.

[التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ عَشْرُ] با توجه به تصویر، مکالمه زهرا و مریم را کامل کنید.



زهرا: هَلْ هُنَا حَدِيقَةٌ فِي مَدِينَةِ طَهْرَانَ؟
 - أ هَذِهِ أَشْجَارُ الرَّمَانَ؟
 - هُوَ الْعِنَبِ؟
 - لَآ؛ بَانِعُ
 - نَعَمْ؛
 - هَلْ هُنَا حَدِيقَةٌ فِي مَدِينَةِ طَهْرَانَ؟
 - هُوَ الْعِنَبِ؟

[التَّمْرِينُ الرَّابِعُ عَشْرُ] جدول روبه‌رو را به عربی حل کنید.



- ۱- معنای واژه «قلیل»
- ۲- معنای واژه «بعید»
- ۳- اللسان، سلامه الإنسان.
- ۴- دشمنی
- ۵- الصلاة، الدین.
- ۶- هَلْ هَذِهِ لَوْحَةٌ؟ هَذِهِ لَوْحَةٌ.
- ۷- متضاد «نعم»

[پرسش‌های چهارگزینه‌ای]

۱- کدام کلمه درست نیست؟

- (۱) بائع: خریدار (۲) قریه: روستا (۳) صلاة: نماز (۴) اللسان: زبان

۲- «زَمَانٌ طَوِيلٌ» توضیح کدام کلمه است؟

(۱) الْيَوْمُ (۲) السَّنَةُ (۳) اللَّحْظَةُ (۴) الدَّقِيقَةُ

۳- مترادف کلمه «الْبُسْتَان» کدام است؟

(۱) الْحَقِيبَةُ (۲) الْقَرِيبَةُ (۳) الْقَرْيَةُ (۴) الْحَدِيقَةُ

۴- پاسخ درست سؤال روبه‌رو کدام است؟ «هَلِ الْفُنْدُقُ بَعِيدٌ؟»

(۱) لَا؛ الْفُنْدُقُ قَرِيبٌ. (۲) لَا؛ الْفُنْدُقُ بَعِيدٌ. (۳) نَعَمْ؛ الْفُنْدُقُ قَرِيبٌ. (۴) نَعَمْ؛ هَذَا فُنْدُقٌ.

۵- سؤال مناسب برای جمله «لَا؛ هُنَا مَدِينَةٌ» کدام است؟

(۱) هَلْ هُنَا مَدِينَةٌ؟ (۲) أ هَذِهِ مَدِينَةٌ؟ (۳) هَلْ هُنَا قَرْيَةٌ؟ (۴) هَلْ هَذِهِ قَرْيَةٌ؟

۶- پاسخ در کدام گزینه نادرست است؟

(۱) هَلْ هَذَا عِنَبٌ؟ نَعَمْ؛ هَذَا عِنَبٌ. (۲) هَلْ هَذَا جُنْدِيٌّ؟ لَا؛ هَذَا جُنْدِيٌّ.
(۳) أ هُنَا حَقِيبَةٌ؟ لَا؛ هُنَا كِتَابٌ. (۴) هَلِ الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ؟ نَعَمْ؛ الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ.

۷- گزینه مناسب برای جای خالی «..... مِنْ الدَّهَبِ» کدام است؟

(۱) الْعِلْمُ (۲) الْإِحْسَانُ (۳) الْوَقْتُ (۴) الصَّلَاةُ

۸- متضاد واژه «بعید» کدام گزینه است؟

(۱) كَثِيرٌ (۲) قَرِيبٌ (۳) قَلِيلٌ (۴) كَبِيرٌ

۹- با توجه به تصویر، پاسخ سؤال روبه‌رو کدام است؟ «هَلْ هَذِهِ حَقِيبَةُ الْمَدْرَسَةِ؟»



(۱) نَعَمْ؛ هَذِهِ حَقِيبَةُ الْمَدْرَسَةِ. (۲) لَا؛ هَذِهِ حَقِيبَةُ السَّفَرِ.
(۳) لَا؛ هَذِهِ حَقِيبَةُ الْمَدْرَسَةِ. (۴) نَعَمْ؛ هَذِهِ حَقِيبَةُ السَّفَرِ.

۱۰- کدام گزینه عبارت «سُكُوتُ اللِّسَانِ،.....» را کامل می‌کند؟

(۱) جَزَاءُ الْإِحْسَانِ (۲) عَمُودُ الدِّينِ (۳) سَلَامَةُ الْإِنْسَانِ (۴) مَوْتُ الْأَحْيَاءِ

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا.»
من شهر علم هستم و علی، در آن است.

ضرب المثل
«مَنْ جَدَّ وَجَدَّ.»
جوینده یابنده است.

الدَّرْسُ الثَّالِثُ

الْحِكْمُ النَّافِعَةُ



المُعْجَم (واژه‌نامه)



اسم

- أقدام: پاها «مفرد: قَدَم»
- أمام: روبه‌رو، مقابل، جلو
- أين: کجا، کجاست
- باب: در «جمع: أبواب»
- بَقْرَةٌ: گاو ماده
- تَحْتُ: زیر، پایین
- جَنْبٌ: کنار، بغل، پهلو
- جَنَّةٌ: بهشت «جمع: جَنَّات»

حرف

- مَعَ: با، همراه

ترکیب و جمله

- حُسْنُ الْخُلُقِ: خوش اخلاقی
- عَلَى الْيَسَارِ: سمت چپ
- عَلَى الْيَمِينِ: سمت راست
- عَلَيْكَ بِ: بر تو لازم است، تو باید

- خَلْفًا: پشت، پشت سر، عقب
- سَفِينَةٌ: کشتی «جمع: سُفُن»
- فَوْقًا: بالا، روی
- نِيَاتٌ: نیت‌ها «مفرد: نِيَّة»
- وَرَاءَ: پشت
- هُنَاكَ: آنجا
- يَدٌ: دست «جمع: أَيَادِي»

- قَرِيبٌ مِنْ: نزدیک به
- مُدَارَاةُ النَّاسِ: مدارا کردن با مردم
- مِنْ أَيْنَ: اهل کجا؟ از کجا؟

نَصُّ الدَّرْسِ (متن درس)



الْحِكْمُ النَّافِعَةُ

حکمت‌های مفید

۲- عَلَيْكَ بِمُدَارَاةِ النَّاسِ. رَسُولُ اللَّهِ (ص)
بر تو لازم است به مدارا کردن مردم
تو باید با مردم مدارا کنی.

۴- الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ. رَسُولُ اللَّهِ (ص)
بهشت زیر پاهای مادران
بهشت زیر پاهای مادران است.

۱- الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ. رَسُولُ اللَّهِ (ص)
کارها به نیت‌ها
کارها به (بسته به) نیت‌ها هستند.

۳- حُسْنُ الْخُلُقِ، نِصْفُ الدِّينِ. رَسُولُ اللَّهِ (ص)
خوش اخلاقی نصف دین
خوش اخلاقی، نصف دین است.

۵- يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ. (الإمام عليّ ع)

دست خداوند همراه جماعت

دست خدا با جماعت است.

● أَيْنَ الْوَلَدِ؟

کجاست پسر

پسر کجاست؟

● أَيْنَ السُّفِينَةِ؟

کجاست کشتی

کشتی کجاست؟

● أَيْنَ الرَّجُلِ؟

کجاست مرد

مرد کجاست؟

● أَيْنَ الرَّجُلِ؟

کجاست مرد

مرد کجاست؟

● أَيْنَ الْبَيْتِ؟

کجاست خانه

خانه کجاست؟

● أَيْنَ الرَّجُلِ؟

کجاست مرد

مرد کجاست؟

● أَيْنَ جَبَلِ بَيْسْتُونِ؟

کجاست کوه بیستون

کوه بیستون کجاست؟

● أَيْنَ الطِّفْلِ؟

کجاست کودک

کودک کجاست؟

● أَيْنَ الزَّرَافَةِ؟

کجاست زرافه

زرافه کجاست؟

● خَلْفَ الْبَابِ.

پشت در

پشت در است.

● فِي الْخَلِيجِ الْفَارِسِيِّ.

در خلیج فارس

در خلیج فارس است.

● تَحْتَ السَّيَّارَةِ.

زیر ماشین

زیر ماشین است.

● أَمَامَ بَابِ الْبَيْتِ.

جلوی در خانه

جلوی در خانه است.

● فَوْقَ الشَّجَرَةِ.

بالای درخت

بالای درخت است.

● بَيْنَ السَّيَّارَتَيْنِ.

بین دو ماشین

بین دو ماشین است.

● فِي مَغْرِبِ إِيرَانَ.

در مغرب ایران

در غرب ایران است.

● عِنْدَ أُمِّهِ.

نزد مادرش

نزد مادرش است.

● وَرَاءَ الشَّجَرَةِ.

پشت درخت

پشت درخت است.

اعداد ترتیبی		اعداد اصلی	
اول	أَوَّل	یک	وَاحِد
دوم	ثَانِي	دو	إِثْنَان
سوم	ثَالِث	سه	ثَلَاثَة
چهارم	رَابِع	چهار	أَرْبَعَة
پنجم	خَامِس	پنج	خَمْسَة
ششم	سَادِس	شش	سِتَّة
هفتم	سَابِع	هفت	سَبْعَة
هشتم	ثَامِن	هشت	ثَمَانِيَة
نهم	تَاسِع	نه	تِسْعَة
دهم	عَاشِر	ده	عَشْرَة
یازدهم	الْحَادِي عَشْرَ	یازده	أَحَدَ عَشْرَ
دوازدهم	الثَّانِي عَشْرَ	دوازده	إِثْنَا عَشْرَ

اعداد نیز مانند سایر اسم‌ها در عربی، مذکر و مؤنث دارند. در اعداد ۳ تا ۱۰، گاهی «ة» از آخر اعداد اصلی حذف می‌شود و اعداد، به صورت مذکر به کار می‌روند.

نکته

مثال سِتَّة (مؤنث) ← سِتُّ (مذکر) أَرْبَعَة (مؤنث) ← أَرْبَع (مذکر)

کلمه پرسشی «كَمْ»

کلمه پرسشی دیگر، «كَمْ» است که به صورت «چند» و «چقدر» ترجمه می‌شود. این کلمه برای پرسش از تعداد به کار می‌رود و در جواب آن، از اعداد اصلی استفاده می‌کنند.

مثال



- كَمْ شَجَرَة هُنَا؟
(چندتا درخت اینجا است؟)
- خَمْسَة. (پنج تا)



- كَمْ عَدَدُ الْأَوْرَادِ؟
(تعداد گل‌ها چندتا است؟)
- ثَلَاثَة. (سه تا)



- كَمْ قَلَمًا عَلَى الْكِتَابِ؟
(چندتا قلم روی کتاب است؟)
- سَبْعَة. (هفت تا)

الدَّرْسُ السَّادِسُ

الْجَمَلَاتُ الذَّهَبِيَّةُ



المُعْجَم (واژه‌نامه)

اسم	فعل	حرف	ترکیب و جمله
● أَرَادِلُ: فرومایگان	● حَصَدَ: درو کرد	● إِذَا: هرگاه، اگر	● بَحَثَ عَنِ: دنبال ... گشت
● أَفَاضِلُ: شایستگان	● خَرَجَ: بیرون رفت	● نُمُّ: سپس	● سَأَلْتَهُ: از او پرسید
● خُسْرَانُ: زیان	● دَخَلَ: داخل شد	● أُمُّهُ: مادرش	● قَرَّبَ مِنْ: نزدیک شد به
● شَمْسٌ: خورشید	● ذَهَبَتْ: رفت (مؤنث)	● رَجَعَتْ: برگشت	
● عُدْوَانٌ: دشمنی	● زَرَعَ: کاشت	● سَأَلَ: پرسید (مذکر)	
● قَصِيرٌ: کوتاه	● سَمِعَ: شنید (مذکر)	● سَأَلَتْ: پرسید (مؤنث)	
● قَمَرٌ: ماه	● سَمِعَتْ: شنید (مؤنث)	● سَلِمَ: سالم ماند	
● لَيْلٌ: شب	● صَعِدَ: بالا رفت	● إِذَا: هرگاه، اگر	
● مَنْ: هر کس، کسی که	● طَرَقَ: کوبید	● نُمُّ: سپس	
● نَهَارٌ: روز	● فَتَحَ: باز کرد	● أُمُّهُ: مادرش	
● سَمِعَ: شنید (مذکر)	● لَعِبَ: بازی کرد	● سَأَلَ: پرسید (مذکر)	
● سَمِعَتْ: شنید (مؤنث)	● مَلَكَ: فرمانروا شد	● سَأَلَتْ: پرسید (مؤنث)	
● صَعِدَ: بالا رفت	● وَصَلَ: رسید	● سَلِمَ: سالم ماند	
● طَرَقَ: کوبید	● هَلَكَ: هلاک شد	● إِذَا: هرگاه، اگر	
● فَتَحَ: باز کرد	● عَنِ: از	● نُمُّ: سپس	
● لَعِبَ: بازی کرد		● أُمُّهُ: مادرش	
● مَلَكَ: فرمانروا شد		● سَأَلَ: پرسید (مذکر)	
● وَصَلَ: رسید		● سَأَلَتْ: پرسید (مؤنث)	
● هَلَكَ: هلاک شد		● سَلِمَ: سالم ماند	
● عَنِ: از		● إِذَا: هرگاه، اگر	
		● نُمُّ: سپس	
		● أُمُّهُ: مادرش	
● لِسَانُهُ: زبانش		● سَأَلَ: پرسید (مذکر)	
● الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ النَّاسُ مِنْ لِسَانِهِ: مسلمان کسی است که مردم		● سَأَلَتْ: پرسید (مؤنث)	
از زبانش سالم بمانند.		● سَلِمَ: سالم ماند	
● مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ: هر کسی دشمنی کاشت (بکارد)		● إِذَا: هرگاه، اگر	

[الْجُمَلَاتُ الذَّهَبِيَّةُ]

جمله‌های طلایی

لَعِبَ يَاسِرٌ مَعَ أَصْدِقَائِهِ فِي الْمَدْرَسَةِ. رَجَعَ يَاسِرٌ إِلَى الْبَيْتِ بَعْدَ الظُّهْرِ.
بازی کرد یاسر با دوستانش در مدرسه برگشت یاسر به خانه بعد از ظهر
یاسر با دوستانش در مدرسه بازی کرد. یاسر بعد از ظهر به خانه برگشت.

هُوَ طَرَقَ بَابَ الْمَنْزِلِ. سَمِعَتْ أُمُّهُ صَوْتَ الْبَابِ ثُمَّ دَهَبَتْ وَفَتَحَتْ الْبَابَ وَسَأَلَتْهُ:
او زد در خانه شنید مادرش صدای در سپس رفت و باز کرد در و پرسید از او
او در خانه را زد. مادرش صدای در را شنید؛ سپس رفت و در را باز کرد و از او پرسید:

الْوَلَدُ: أَنَا بِخَيْرٍ.

فرزند من خوبم

فرزند: من خوبم.

الْأُمُّ: كَيْفَ حَالُكَ؟

مادر چطور است حالت

مادر: حالت چطور است؟

يَاسِرٌ: حَفِظْتُ هَذِهِ الْجُمَلَاتِ الذَّهَبِيَّةِ.

یاسر حفظ کردن این جمله‌های طلایی

یاسر: حفظ کردن این جمله‌های طلایی.

الْأُمُّ: مَا هِيَ وَاجِبَاتُكَ؟

مادر چیست تکالیفت

مادر: تکالیفت چیست؟

«مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ؛ حَصَدَ الْخُسْرَانَ.»

هرکس کاشت دشمنی درو کرد زیان

هرکس دشمنی بکارد، زیان درو می‌کند.

«إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ؛ هَلَكَ الْأَفْضَالُ.»

هرگاه فرمانروا شدند فرومایگان هلاک شدند شایستگان

هرگاه فرومایگان فرمانروا شوند، شایستگان هلاک می‌شوند.

«خَيْرُ النَّاسِ، أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ.»

بهترین مردم سودمندترین آنها برای مردم

بهترین مردم، سودمندترینشان برای مردم است.

«التَّجَرِبَةُ فَوْقَ الْعِلْمِ.»

تجربه بالای دانش

تجربه بالاتر از دانش است.

«لِسَانُ الْمُقْصِرِ، قَصِيرٌ.»

زبان گناهکار کوتاه

زبان گناهکار، کوتاه است.

«الْمُسْلِمُ، مَنْ سَلِمَ النَّاسُ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ.»


مسلمان کسی که سالم ماند مردم از زبانش و دستش

مسلمان کسی است که مردم از زبان و دستش سالم بمانند.

القواعد (درسنامه)

[فعل ماضی (۲)]

در این درس با ۲ صیغه دیگر فعل ماضی آشنا می‌شویم:

صیغه عربی	صیغه فارسی	ترجمه	فعل	ضمیر	
مفرد مذکر غائب			فَعَلَ	هُوَ	
	سوم شخص مفرد	او انجام داد.			
مفرد مؤنث غائب			فَعَلَتْ	هِيَ	

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ عَشْرَ با توجه به تصاویر، به سؤال‌های زیر پاسخ کوتاه دهید.



۱- هَلْ أَنْتِ اشْتَرَيْتِ سِرْوَالًا لِأَبِيكَ؟ ۲- أَمْ هُوَ كَانَ غَائِبًا؟ ۳- مَنْ قَالَ أَنَا شَعَرْتُ بِالْإِفْتِيخَارِ؟ ۴- كَمْ شَخْصًا فِي الْعُرْفَةِ؟

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ عَشْرَ واژه‌های زیر را به عربی در جدول بنویسید.

رمز اول	رمز دوم							
۱	😊							😊
۲	😊							😊
۳							😊	
۴					😊			😊
۵			😊				😊	😊

۱- هرکس - بازیکن

۲- بالا برد - همنشین

۳- خانه من - انجام دادی

۴- آسمان - آن

۵- شاد شدی - چند؟

رمز: السؤال

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱- معنای کدام گزینه درست نیست؟

(۱) هُما: ایشان (۲) نَسِيَ: فراموش کرد (۳) بَارِدٌ: سرد (۴) عَبَّرْنَا: عبور کردیم

۲- کدام گزینه با بقیه ناهماهنگ است؟

(۱) سَاعَةٌ (۲) أُسْبُوعٌ (۳) يَوْمٌ (۴) جِسَامٌ





۳- معنای کلمه‌های «آلِهَةٌ - نَحْنُ - وَصَلْنَا - جَوَّ» به ترتیب کدام است؟

(۱) خدایان - ما - رسیدیم - هوا (۲) خدایان - رسیدیم - آنها - هوا

(۳) خدا - ما - هوا - رسیدیم (۴) خدا - ما - رسید - هوا

آزمون میان نوبت دوم



نام و نام خانوادگی:		دبیر:
کلاس:		تاریخ امتحان:
۱	۱- از میان کلمه‌های داده شده، نام هر تصویر را بنویسید (دو کلمه اضافی است).	رسالة شمس جسم قمر فستان سفينة
	   	
۱	۲- از میان کلمه‌های داده شده، مترادف یا متضاد کلمه‌ها را بنویسید (یک کلمه اضافی است).	مَنْ حَزَنَ دَهَبٌ مِنْ حَدِيقَةٍ
	عَنُ = بُستان = فَرِحَ = جاءَ =	
۱	۳- کلمه‌های مشخص شده را ترجمه کنید.	
	الف) <u>إِشْتَرَيْتُ عَبَاءَةً مِنَ السُّوقِ</u> . ب) <u>صَعَدَ الرَّجُلُ الْجَبَلَ</u> . ج) <u>ضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ</u> (س/۷۸) د) <u>إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ</u> .	
۱	۴- در هر ردیف، کلمه ناهماهنگ را از نظر معنایی و دستوری مشخص کنید.	
	الف) <input type="checkbox"/> دَهَبْنَا ب) <input type="checkbox"/> كِتَابْنَا ج) <input type="checkbox"/> عَرَفْنَا د) <input type="checkbox"/> وَقَفْنَا ه) <input type="checkbox"/> أخت ز) <input type="checkbox"/> والد ح) <input type="checkbox"/> وَجِه ط) <input type="checkbox"/> أُم ی) <input type="checkbox"/> أسبوع ق) <input type="checkbox"/> آلهة ر) <input type="checkbox"/> مَلَابِس س) <input type="checkbox"/> عُرْف ت) <input type="checkbox"/> دَهَبْتِ ص) <input type="checkbox"/> صَعِدْتِ ض) <input type="checkbox"/> رَفَعْتِ ظ) <input type="checkbox"/> جَلَسْتُ	
۱	۵- ترجمه جمله‌ها را کامل کنید.	
	الف) رَفَعَ الْجُنْدِيُّ عِلْمَ إِيْرَانِ. ب) الطَّبِيْبَةُ مَا دَهَبَتْ إِلَى الْمَطْبَعِ لِأَنَّهَا كَانَتْ مَرِيضَةً.	سرباز ایران را پزشک به مطب زیرا او